

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (انترنیت) در خارج از کشور

جمعه ۱۲ مرداد ۱۳۶۳ برابر با ۳ اوت ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۱۸

احیای "آر-سی-دی" بایک قبای اسلامی

یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب، برآورد می شود.
بنا بر گزارش روزنامه انگلیسی زبان "مسلم" چاپ پاکستان (۲۳مه) بهجت تورمن، دبیرکل آر-سی-دی به هنگام ورود خود به اسلام آباد اعلام داشت که در اوایل ماه ژوئیه "مقامات بلند بقیه در صفحه ۳

بالاخره اندیشه تشکیل "بازار مشترک اسلامی" سران رژیم حاکم بر ایران دارد تحقق پیدا می کند. بر آر-سی-دی (سازمان عمران منطقه‌ای) که رکن اقتصادی پیمان تجاوزگر سنتی بود بایک قبای اسلامی پوشانده می شود و بدینسان هم خوی اسلامی حکومتگران ارضنا می گردد و هم خواستشان مبنی بر لگد کوب کردن

مساله حجاب

توحش و رذالت بی حجاب

نمودن مناسبات خود با امیرالاستها، بازهم به گروهانها و گردانهای پیاده و سواره شبه فاشیستی حزب الله، فرمان حمله به زنان میهنان را صادر کردند. دستورات اذلال و اوباشی، که از طرف حزب جمهوری اسلامی، وزارت کشور و نهادهای سرکوبگر، سازماندهی شده بودند، بامادارت به اعمال فاشیستی و بیرومانشانه، برای بقیه در صفحه ۵

یکی از شگردهای شناخته شده رعمای ۱۰۰ در راستای استتار سیاستهای ضد مردمی و ضد ملی خود و سرپوش نهادن بر عجز و درماندگیشان در حل مسایل اساسی جامعه، در مقاطع مختلف، علم کردن مساله حجاب بوده است.
آنها در روزهای اخیر، در پی سفر گسترش و زیمار و خارجه آلمان غربی به تهران، و علنی

بدبیرایی از گنسر فرستاده ویژه کنفرانس لندن: گدایی پشتیبانی غرب

علیرغم این که دو هفته از سفر گنسر روزیبر امور خارجه آلمان فدرال به ایران می گذرد، بحث پیرامون نتایج آن در مطبوعات جهان و محافل سیاسی مختلف، همچنان ادامه دارد. در این بخشها که از زاویای مختلفی صورت می گیرد به درستی بر این نکته اشاره می شود که پذیرایی گرم رهبران جمهوری اسلامی از گنسر را باید به مثابه گام بلندی قلمداد کرد که رژیم حاکم بر ایران، برای نزدیکی بیشتر به غرب، برمی دارد.
به سفر گنسر از زاویه باید نگریست.

حکومت ترور، تروریست صادر می کند

به دنبال رسوایی قداره کشی های مزدوران "انجمن اسلامی" و مخالفت و تفرس مردم کشورهای اروپایی با اعمال جنایتکارانه آنها، "صدور انقلاب" حکام ۱۰۰ دانسته بیشتر گرفته است. رژیم بمنظور گسترش تروریسم و شکار انقلابیون خارج از کشور، در بقیه در صفحه ۲

یکی از بارزترین وجوه سیاست حکام ۱۰۰ در مواجهه با مخالفین سیاسی خود، تعسک به حریم ترور آدمکشی است. هفتاد و چند کشته و گسترش مردم افزون و واعدام و شکنجه، سرکوب و اختناق در داخل کشور و تون گسروه گروه آدمکش و تروریست به خارج از مرزهای ایران گسیل می شوند.

گزینش دانشجو در جمهوری اسلامی

جلوه دیگری از اختناق، تفتیش عقاید و تبعیض

دانشجو نه بر مبنای آزمونی که دانش آنها را در مظان سنجش قرار دهد، بلکه بر مبنای معیارهایی صورت می گیرد که هدف از کار بست آنها جلوگیری از ورود افرادی به مراکز آموزش عالی است که از نظر حاکمیت فاقد "صلاحیت"های سیاسی و ایدئولوژیک اند.
کنکور گذشته، به شکار بازاری، اقتضاح بقیه در صفحه ۴

پانزد هم تیرماه امسال، کنکور سراسری دانشگاهها، با شرکت ۳۵۰ هزار داوطلب برگزار شد. بسیاری از داوطلبان - علی رغم این که به گواهی کارنامه های دبیرستان نیتان مطمئنند که دارای پشتوانه علمی مطلوبی هستند از قبیل می دانند که از صافی پذیرش عبور نخواهند کرد. تجربه کنکور گذشته و جو عمومی حاکم بر کشور، به آنان نشان داده است که گزینش

زحمتکشان: "تامین اجتماعی" حکومت: "تکافل اجتماعی" در صفحه ۳

"حیدر، حیدر...!" یک شعار پرمعنی در صفحه ۸
دلار، ترور و شوونیسم در لس آنجلس در صفحه ۵

همبستگی "کنفدراسیون کارگران پاکستان"
باطبقه کارگر و نیروهای انقلابی ایران در صفحه ۱۰

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

انعکاس سفر گنشر در مطبوعات آلمان

رود دوپچه ساینونگ :
 ● گنشرویرامو رخارجه اشاره کرد که طرف صحبت های ایرانی اش از هرگونه حمله به آمریکا خودداری کردند .
 ● هیات نمایندگی از علایم روشنی صحبت کردند که رهبران ایرانی بطور آشکار صحبت و همکاری با کشورهای غربی را خواستارند .
 ● از طرف ایران دعوت از گنشر بعنوان تصمیم مهمی برای آینده خط مشی تهران ارزیابی شدند .
 (۲۳ ژوئیه ۱۹۸۴)

فرانکفورترا لگمانیه :
 ● هیات نمایندگی ایران داشت که " در اینجا يك تصمیم بسیار مهم در رهبری گرفته شده است " .
 ● رفسنجانی قدرتمندترین فرد بعد از آیت الله خمینی ایران نمود که سفر گنشر به ایران بدون مخالفت نبود . و کسانی هستند که مخالف ارتباط با غرب هستند و از الحاق ایران با بلوک غرب هراس دارند .
 ● چگونگی و نحوه استقبال دولت ایران از او و همچنین همه جانبه بودن صحبتها نشاندهنده ارزشی بود که ایران برای ایمن سرفرائل شده است .
 (۲۳ ژوئیه ۱۹۸۴)

دی ولت :
 ● دیپلماتهای آلمانی با تعجب باین مساله روبرو شدند که به اسرائیلی ها و آمریکایی ها که به صورت آشکار رشد پیدا مورد حمله واقع می شوند، از طرف هم صحبت های ایرانی گنشر اصلا برخورد نشدند .
 ● رفسنجانی بطور کامل بی پرده ای اشاره کرد که اختلافاتی در مورد بازگشایی درهای ایران به طرف غرب وجود دارد ، او به برخورد روزنامه ها که انتقادی بود ، اشاره کرد . ولی تردیدی در این مورد بجای نگذاشت که تصمیم در مورد ایمن بازگشایی گرفته شده است .
 (۲۳ ژوئیه ۱۹۸۴)

پذیرایی از گنشر فرستاده ویژه کنفرانس لندن : گدایی پشتیبانی غرب

بارهبران جمهوری اسلامی را بنیاد دیکسور کشورهای عمده سرمایه داری هماهنگ ساخته و از تجربیات بازدید کنندگان قبلی از تهران در وین ، توکیو و استانبول ، بهره گرفته است .
 گنشر بعد از بازگشت خود به بن ، دیدار خود را از تهران موفقیت آمیز خواند . او بسا خوشحالی بر این نکته اشاره داشت که طسرف صحبت های ایرانی اش از هرگونه حمله به آمریکا خودداری می کردند . و در آن هنگام گرایش آشکاری به سمت همکاری و صمیمیت با غرب به چشم می خورد .

گنشر در دیدار خود با دولت مسردان جمهوری اسلامی ، از تعارفات و تعابیری سود جست که آنها را خوش آید و این دولت مردان نیز از او و به طور کلی از تمامی سران غرب خواستند که تنها کافی است بر " فرهنگ و هویت " آنها و " زبان خاص انقلاب اسلامی " (گفته خامنه ای در دیدار با گنشر) توجه شود تا همه درهای آشتی و مودت به سمت جهان سرمایه داری ، باز گردد .

حکام جمهوری اسلامی در دیدار با فرستاده کنفرانس لندن ، پشتیبانی غرب را گدایی کردند . آنها که هست و نیستشان را بر سر جنگ با عراق نهادند عاجزانه از کشورهای اروپاییستی که به زعم آنها کلید بحران منطقه را در دست دارند ، می خواهند که این کلید معجزه آسایش را به سود رژیم ایران ، به کار اندازند .

پشتیبانی سیاسی و تسلیحاتی غرب ، آن عاملی است که اکنون ذهن رهبران جمهوری اسلامی را ، بیش از هر هنگام دیگری به خود مشغول داشته و از نظر حاکمیت می توانست در راستای خط تند اوم جنگ ، گره گشای بن بست فعلی در جبهه ها باشد . بعد از سفر گنشر ، امیدواری رژیم ، برای جلب این پشتیبانی افزایش یافته است . بهبوده نیست که لحن سران حکومت در رابطه با جنگ مجدداً تند تر شده و رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه پنجم مرداد ، از " پیامها " بی سخن می گوید که در انتظار روشن شدن نتایج آنها ، لحظه شماری می شود .

بقیه از صفحه اول
 صادرات آلمان فدرال به ایران کسه در سال ۱۹۷۹ ، نخستین سال پس از انقلاب ، ۲/۳۵ میلیارد مارک بود در سال ۱۹۸۳ به ۷/۷ میلیارد بالغ گردید و در ه ماهه اول سال ۱۹۸۴ ، نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۷ درصد رشد داشت و این درحالی است که عدم توازن بین صادرات ایران به آلمان و واردات آن از این کشور ، هرگز تا حد کنونی عمیق و چشمگیر نبوده است . این ورطه بنا بر پیش بینی اتاق بازرگانی ایران و آلمان در هامبورگ همچنان عمق بیشتری پیدا خواهد کرد .

اما اهمیت سیاسی سفر گنشر به ایران ، بعد اقتصادی آن تحت الشعاع قرار می دهد . حتی روزنامه های دولتی و دیگر رسانه های گروهی ایران نیز مکتربان اهمیت فوق العاده نگشتند . به عنوان نمونه ، روزنامه آزادگان ۳۱ تیرماه در استانه سفروورد بحث می نویسد . همچنانکه بعد از کنفرانس ویلیامزبورگ شاهد سفرووریرامو ر خارجه ژاپن به ایران بودیم ، سفر گنشر را نیز باید پی آمد کنفرانس لندن بدانیم . در همین رابطه روزنامه دست راستی " دی ولت " چاپ آلمان فدرال چنین اظهار نظری کند : " از نظرین ، گنشر که دولت ایران بارها و صمیمانه از او برای مسافرت به ایران دعوت به عمل آورده است ، احتیالاً مناسبترین فردی است که می تواند مناسبات این دولت بنیاد گرای اسلامی را با غرب و بباره بهبود بخشد . آمریکایی ها ، انگلیسی ها و فرانسوی ها ، هیچ یک نمی توانستند این وظیفه را ، با در نظر گرفتن روابط متشنج خود با ایران ، برعهده بگیرند . " اگر بخواهیم به این نوشته " دی ولت " صراحت ببخشیم باید بگویم حال که عامل اصلی وحشت از فوران خشم مردم ایران و برخی عوامل دیگر ، به عنوان مثال به شولتز وزیر خارجه آمریکا امکان دیدار از تهران را نمی دهد گنشرو وظایف او را نیز برعهده داری شود . بهبوده نیست که وزیر خارجه آلمان قبل از مسافرت خود به تهران متذکر می شود که از مذهب پیش " بادقت و ظرافت " اهداف خود از دیدار

حکومت ترور ، تروریست صادر می کند

کن و مقداری ، مواد منفجره و جاشنی آنهاست . دستگیری شود و متعاقب آن در شهر بارسلون اسپانیا ، یکی از مراکز فعالیت های تروریستی رژیم ۱۰ کشف شده است که بر اساس اظهارات مقامات اسپانیا ، دامنه فعالیت تروریستی آن تمام اروپا را شامل می شده است . در همین رابطه چهار نفر از مزدوران آدمکش رژیم با مقادیر وسیعی اسلحه شامل مسلسل های دستی ، تیربار ، موشک

بقیه از صفحه اول
 ماههای اخیر ، در سطح وسیعی مبادرت به سازمان دادن مراکز تروریستی و صدور آدم کشی نموده است . چندی پیش ، بنا به گزارش جزایر هندوستان ، در فرودگاه بین المللی بمبئی فردی بنام " محمود نصیرعدانی " که از طرف " محمد عطا پور " یکی از مسئولین رسمی سفارت سفارت ایران استقبال می شد ، به جرم جاسازی یک اسلحه کمبری با مارک ایتالیائی همراه با صند آخفه

انداز آرمی - پی - جی و مواد تخریبی دستگیر شده اند .
 اقدامات جنون آمیز رژیم ۱۰ نظیر صدور تروریست به خارجه ، نشانگر وحشتی است که رژیم از فعالیت های تفرافین نیروهای مبارز و ترقی در خارجه از کشور دارد . بی شک اتحاد و انسجام عمل احزاب و سازمان های میهن پرست و ضد امپریالیست ، هم می تواند نقش قاطعی در تقیم گذاشتن تلاشهای جنایتکارانه رژیم داشته باشد .

زحمتکشان: "تأمین اجتماعی" حکومت: "تکافل اجتماعی"

در سلسله هفته‌های رنگارنگ در جمهوری اسلامی، هفته ۲۵-۳۱ تیر ماه، "هفته بهزیستی و تأمین اجتماعی" نامیده شد. در این هفته که روزهای آن نیز به اسامی مختلف نامگذاری گردیده بود، توسط مسئولین حکومتی و دست‌اندرکاران درباره خدمت به محرومان و "مستضعفان" داد سخن داده شد.

سازمان تأمین اجتماعی طی مقاله‌ای در روزنامه جمهوری اسلامی وظیفه خویش را چنین توصیف می‌کند: "تأمین اجتماعی بمفهوم عام کلمه یعنی رهایی از نگرانی اجتماعی چرا که افرادیکه تحت پوشش این قانون قرار می‌گیرند و بعنوان بیمه شده تلقی می‌گردند، باید از نظر سلامتی و بیماری و آینده خود و خانواده‌ها از لحاظ مادی مطمئن باشند." (جمهوری اسلامی، ۲۶ تیر ۶۳)

اما واقعیت در کشور نشان می‌دهد که این سخنان مشتی جمله پردازیهایی توخالی بیش نیست. اکنون حکومت در تلاش تدوین و بیمه تصویب رساندن قانون جدید و تأمین اجتماعی است. از آنجا که در قوانین کار و استخدامی مسئله تأمین اجتماعی باید رعایت گردد، اهمیت این امر روشن می‌گردد. پیش‌نویس این قانون که قاعدتاً می‌بایست هم‌زمان با پیش‌نویس قانون کار تهیه و ارائه می‌گردید "اکنون در دست‌تجه است. این پیش‌نویس نیز بدون شرکت نمایندگان کارگران و زحمتکشان تهیه می‌گردد و پاسخ باین سؤال که قانون جدید تأمین اجتماعی چه کیفیتی خواهد داشت، چنانچه دشوار نیست. نگاهی به سخنان مسئولین سازمان تأمین اجتماعی بخوبی نشان می‌دهد که دست‌اندرکاران چه خوابی را برای زحمتکشان می‌بینند.

چالاک سرپرست یکی از شعبه‌های سازمان تأمین اجتماعی در مورد قانون جدید چنین می‌گوید: "قانونی که در حال حاضر در مورد کارگران و کارفرمایان اجرائی شود یک سری تحولات کم‌اکن همانند قانون گذشته است که انشاءالله با رهنمودهای مقامات جمهوری اسلامی و با همت و پشتکار همکاران در سازمان قانونی که جوایگی جامعه انقلابی بوده و در خور نظام اسلامی ما باشد و جوانب احقاق حقوق بیمه شدگان را در برگیرد تنظیم و تدوین گردد." (اصلاعات، ۲۷/۴/۶۳)

در این مورد که "احقاق حقوق بیمه شدگان" چگونه خواهد بود، آقای ابوالفضل غرضی مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی روشنتر توضیح می‌دهد: "قانون فعلی تقلیدی از قوانین بیمه‌های اجتماعی در غرب است و بطور کلی در مسئله بیمه اجتماعی اصل اجبار مملکت قرار گرفته است، بدین معنی که اقتضای گروه‌هایی که مشمول خدمات تأمین اجتماعی می‌شوند اجباراً

می‌باید مسئله بیمه را بپذیرند. بعنوان مثال کارگر و کارفرما در چهار چوب این قانون می‌باید مسئله بیمه‌های اجتماعی را قبول کنند و سازمان تأمین اجتماعی نیز خدمات لازم را در این زمینه تأمین نماید. در صورتی که طبق فتوای امام در "تحریرالمسیله" بیمه عقدی است که بنا بر اختیار طرفین انجام می‌شود. با توجه به آنچه که گفته شد قانون جدید تأمین اجتماعی بر مبنای در نظر گرفتن اصول شرعی تدوین و تصویب خواهد شد" (کیهان، ۲۷/۴/۶۳) هدف شوم حکومت، پدید است آنچه که غرضی تقلید از غرب می‌نماید، در واقع دست‌اندرکاران مبارزات طولانی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان در مهبتمان و سراسر جهان است که سرمایه‌داران و کارفرمایان را وامی‌دارد که کسانی را که به کار می‌گیرند، بیمه نمایند. نظری که می‌گوید "بیمه عقدی است که با اختیار طرفین انجام می‌شود"، یک عوامفریبی و قیحانه بیش نیست. چرا که در این صورت هیچ کارفرمایی کارگران خود را بیمه نخواهد کرد و در صورت اعتراض آنها را اخراج خواهد نمود و به برگشت حکومت جمهوری اسلامی از میان انبوه میلیونی بیکاران کشور، مجدداً استخدام خواهد نمود. این امر به معنی بازگشت به سرمایه‌داری قرون هجده و نوزده و استثمار وحشیانه کارگران و زحمتکشان است.

بهر حال با انتشار متن پیش‌نویس قانون تأمین اجتماعی جنبه‌های دیگر این قانون روشن خواهد گردید. آنچه مسلم است این است که تأمین اجتماعی مردم کشور را زهر نظر حق اساسی آنان است. تأمین اجتماعی بعنوان یک مقوله اجتماعی - اقتصادی خدماتی چون درمان و بهداشت و مراقبت‌های پزشکی عمومی و رایگان، حمایت از معلولین جسمی و روانی و بی‌سریستان و در راه ماندگان، نگهداری از سالخوردگان، کمک به خانواده‌های پرجمعیت حقوق بازنشستگی، مستمری ازکارافتادگسی، دایم و موقت، مستمری بازنماندگان، مقرری زایمان، غرامت و دستمزد به هنگام بیماری و بروز حوادث، بیمه بیکاری، تهیه مسکن، کمک‌های مالی در موقع ازدواج، عایله مندی و هزینه کفن و دفن را شامل می‌گردد.

یک قانون واقعی تأمین اجتماعی بایست تمامی موارد یاد شده را در برگیرد. این قانون باید تمامی کارگران و زحمتکشان را چه در بخش دولتی چه خصوصی و چه در شهر و روستا فراگیرد. اما آنچه که حکومت از تأمین اجتماعی تبلیغ و دنبال می‌کند، چیزی فراتر از پرداخت صدقه یا نفقات و دیگر مستحبات و یاب و قول تکی و زیرسابق و آبرو باخته "کار" تکافل اجتماعی نیست. اما کارگران و زحمتکشان مانیز برای احقاق حقوق خود مبارزه می‌کنند، اندیشه خود را

"آر-سی-دی" احیای بایک قباي

پایه سه کشور پاکستان، ایران و ترکیه برای شروع فعالیت‌های آر-سی-دی دیدن روح تازه‌ای در کالبد آن و بر محتوا ساختن همکاری‌های بین سه کشور مسلمان در زمینه‌های مختلف، با یکدیگر ملاقات خواهند داشت. و پس از دیدار رسمی آنها، ملاقاتی در سطح وزیران سه کشور انجام خواهد پذیرفت.

اکنون ماه ژوئیه را پشت سر نهاده‌ایم و بنا بر این تا کنون باید ملاقات مذکور صورت گرفته باشد و مسلماً یکی از اهداف سفر اخیر ولایتی وزیر امور خارجه ایران به ترکیه، تحقیق نتایج این دیدارهاست.

بهبخت تورمن که قبل از ورود خود به پاکستان با دولت‌های ایران و ترکیه مشورت‌هایی داشته، در مصاحبه مطبوعاتی خود در اسلام‌آباد فعالیت‌هایی را که تا کنون برای علم کردن مجدد آر-سی-دی صورت گرفته است، چنین توصیف می‌کند: "ما در حال به وجود آوردن جو مناسبی جهت همکاری‌های حاصلتر و مفیدتر برای توسعه (اقتصادی) سرزمین کشورهایمان هستیم. ما با به کارگیری ایده‌هایی مطمئن، آر-سی-دی را برای کشورهای عضو پرفایده‌تر خواهیم ساخت" (مسلم، ۲۳ مه) بنا برگشته دبیر کل آر-سی-دی، در طرف دوسه ماه آینده پروژه‌های مختلف این پیمان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، قابل اجرا خواهند بود.

دکتر محبوب‌الحق وزیر برنامه ریزی صنایع پاکستان در دیداری که در جریان سفر بهبخت تورمن، با او به عمل آورد، اظهار داشته است که آر-سی-دی به مثابه جامعه مشترک سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه است و "زمینه‌های بسیار مساعدی برای اقدامات مشترک" این جامعه وجود دارد. وی در ضمن گفته است "پاکستان هر اقدامی را جهت دادن عنوان جدیدی به آر-سی-دی به زبان فارسی و یا ترکی می‌مورد استقبال قرار خواهد داد." مسلماً این عنوان دارای یک پسوند اسلامی نیز خواهد بود. سران جمهوری اسلامی ایران که به گفته بهبخت تورمن "جهت دادن جان تازه‌ای به آر-سی-دی" با جان و دل "تلاش" می‌کنند، با یک پسوند اسلامی همگامه

دغدغه‌های خاطرشان رفع خواهد شد. روحی می‌دهند و راه خود را می‌روند و این قانون تأمین اجتماعی نیز که بدون شرکت زحمتکشان و توسط طرفداران پروپاقرص کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و با مشورت کسانی چون آیت‌الله گلبایگانی (نشریه روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی، شماره ۱۲۴) و فتواهای "تحریرالمسیله" ای تهیه می‌شود. سرشنس جرزطرز و خشم توده‌های میلیونی برای خود و تهیه کنندگانش نخواهد داشت.

گزينش دانشجو در جمهوری اسلامی جلوه دیگری از اختناق، تفتیش عقاید و تبعیض

بقیعا از بنگفه اول

سیاستهای مبنی بر تفتیش عقاید و تبعیض حاکمیت را بر ملا ساخت و حال که دستگاههای امنیتی جمهوری اسلامی از گسترش و انسجام بیشتری نسبت به قبل برخوردار شده اند، رژیم خداکفر تلاش خود را موقوف به آن ساختن است تا سرپرست از کنکور پیشین، نتایج گزینش دانشجو را اعلام کند، تا بتواند دستگیره ارگانهای تفتیش عقاید را که در زمینه انتخاب دانشجو فعال مایشاست، پنهان سازد.

در مرحله‌ای بودن کنکور، مانند سال گذشته، تحت عناوین آزمون سراسری و آزمون تخصصی ریاضی، پوششی است بر "تصفیه" داوطلبان و تلاشی است برای سرکرم ساختن آنان تا دستگاههای امنیتی بتوانند در فرصت لیست مورد پذیرش خود را، تسلیس وزارت علوم کنند.

در همان روزی که کنکور برگزار شد، یکبار دیگر رفسنجانی از تریبون نماز جمعه بر لزوم تفتیش عقاید به عنوان معیار اصلی پذیرش دانشجو تاکید کرد و گفت: "طبیعی است که یک جامعه ای مثل ما، باید افرادی را بپذیرد که بعد از این که دوسه سال خرجشان کرد و نیمی برایشان به کار برسد، ببرد این جامعه

(یعنی به درد ج ۱۰۰) بخورد ۱۰۰ جلوه دیگری از افرادی که صلاحیت ندارند، یک کار کاملاً منطقی است" (کیهان - ۱۶ تیر)

در این سخنرانی، رفسنجانی برای این نکته نیز مجدداً پای فشرد که یک داوطلب حتی اگر از صافی‌های مختلف نیز عبور کند و به دانشگاه راه یابد، در آنجا هم نباید خیالش راحت باشد و اگر دست از پا خطا نکند، بلافاصله اخراج خواهد شد:

"اگر فردا آمدند در دانشگاه، یک کسی را که همه تاریخ زندگیش نشان می‌دهد خائن است، جزو گروهکهاست و تازه در دانشگاه هم که آمد مزاحم درس خواندن بچه‌ها می‌شود و گفتند این نباید، این یک کار کاملاً منطقی است و باید این طور بشود ۱۰۰ در دانشگاهها آنبهایی که بخواهند فساد بکنند، طبعاً باید آنها را تصفیه کنیم" (همانجا)

همه عناصر و جناحهای حاکمیت در این امر متفق القولند که باید داوطلبین رصافی تحقیق بگذرند ولی نجفی و نیز موسوی نخست وزیر و عدل‌های دیگر معتقدند با توجه به غلبه کامل ارتجاع در دانشگاهها و مدارس و افتتاحی که کنکور سال گذشته به بار آورد، امسال باید

برای تحقیق، کمتر به شیوه‌های مستقیم روی آورد و تلاش ورزید تا نتایج کنکور برای کاستن از ابعد حرکت اعتراضی ای که در این رابطه شکل خواهد گرفت و دامنه آن نسبت به سال گذشته گسترده تر خواهد بود، هرچه سریعتر اعلام شود، بیپرده نیست که موسوی نخست وزیر در مصاحبه‌ای که روز برگزاری کنکور به عمل آورده است، می‌گوید: "با توجه به تجربیات باید بگوئیم خطاها را جبران کنیم و گزینش امسال یقیناً فرقهایی با گذشته خواهد داشت" (کیهان - ۱۶ تیر)

اما ببینیم وقتی موسوی از لزوم توجه به "تجربیات" گذشته و جبران خطاهای گذشته در کنکور پیشین مرتکب شدند، سخن می‌گوید، منظورش چیست؟

در کنکور گذشته به طول انجامیدن تحقیقات پلیسی در مورد داوطلبان، دست حاکمیت را کاملاً رو کرد و رژیم را در میان جوانان شایق به ادامه تحصیل و در بین همه مردم روسیاه ساخت. این بار رژیم، از چندین ماه قبل بررسی‌های پلیسی خود در مورد همه دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان‌ها را آغاز کرده و بقیه در صفحه ۵

بخش اول

شکرت
با توجه به اطلاعات ارسالی شما که ملا به حرمان شما فرموده است، خواهشمند است با دقت نسبت به تکمیل این فرم اقدام کنید. مسأله این اطلاعات شما ملاک گزینش هم نخواهد بود.
شخصات داوطلب:

نام: _____ نام خانوادگی: _____
نام دبیرستان: _____ فارغ التحصیل از: _____ استان: _____
مذهب: _____ شهرستان: _____

الف - وضعیت سیاسی:
لطفاً عقوبت و یا آزادی ایشان را در طول سالهای مختلف نسبت به گروههای متدرج در جدول زیر با علامت ضربدر مشخص نمایید.

سال	گروه	توده	انگیزه	فدائیت	جذب معنایی	سرگروه‌های	سازگروه‌های	مبارز
۵۹								
۶۰								
۶۱								
۶۲								

۱ - میزان فعالیت در هر یک از گروههای فوق را با توجه به سالهای مذکور به نسبت ۱ - هوادار ساده
۲ - هوادار فعال ۳ - عضو فعال یا دگرذلیل و بطور مختصر مشخص نمایید.

۲ - در مورد فعالیت‌های مذهبی شما چه داوطلب معمولاً هوادار گروه‌های سیاسی اقلیت‌های مذهبی می‌باشد یا دگرذیم‌گروه می‌باشد.
۲ - وضعیت توبه:
زمان توبه:

آیا توبه او خراز شده است آری خیر نسیم‌نام
عملکرد بعد از توبه:

مشت گرایش مثبت بی تفاوت گرایش منفی
۲ - نظرات و دست‌فایده‌های سیاسی و نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟
مشت گرایش مثبت بی تفاوت گرایش منفی مخالف

۵ - آیا تا سرحد حکومتی در یکی از ادارات، نهادها و مراکز (موسمی - انجمنات) داشته است؟
(توضیح دهید):

بخش دوم

۱ - مس و فساد آنگار در اوقات فراغت شما چه است؟ (اعتیاد - مشروبات الکلی - سیگار - سی و بندوباری)
اعمال نادره فلا - داشته است ولی فعلاً ندارد دارد غیرت به فساد ندارد
تذکر:
در صورت داشتن فساد در اوقات فراغت شما، با بیسی نوع و میزان فساد مشخص نمایید.

۲ - قابلیت هدایت و ارشاد شدن:
جمله‌بوت خوب ضعیف ضعیف ضعیف

۲ - با بستن وی به رعایت احکام اسلام (عمل به واجبات و ترک بجرمات و از جمله رعایت پوشش اسلامی) ربه‌حقی است؟
خوب متوسط ضعیف ناپسند

توضیحات اضافی:

شخصات کامل تکمیل کننده فرم:

مهر و امضاء تکمیل کننده فرم:

فرمی که در اختیار می‌یران، برخی از معلمین (بویژه امور تربیتی) و انجمن‌های اسلامی مدارس گذاشته شده، تا بر مبنای آن دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان، به لحاظ سیاسی - ایدئولوژیک، مورد شناسایی قرار گیرند.

دلار، تور و شوونیسیم در لس آنجلس

روز شنبه ۲۸ ژوئیه در لس آنجلس، بیست و سومین دور بازیهای تابستانی المپیک گشایش یافت. المپیک اسماں از بسیاری جهات در تاریخ بیسابقه است، از جمله سطح نازل رقابت ها به دلیل عدم شرکت ورزشکاران کشورهای سوسیالیستی به لحاظ میزان سود های میلیونی که از "برکت" بازیها عاید انحصارات آمریکایی می گردد، و نیز از جهت جو خوشنوت آمیز حاکم بر شهر محل برگزاری المپیک. مراسم افتتاحیه بازیهای المپیک، عرصه نمایش شوونیسیم بی حد و حصر آمریکایی بود. در تاریخ المپیک، این درجه از تبلیغات ناسیونالیستی که در میزان در جریان بازیها، سابقه ندارد. در تمام طول مراسم گشایش بازیها، که رونالد ریگان در آن شرکت داشته، بر تابلوی استاد یوم ۹۰ هزار نفره لس آنجلس حملاتی نظیر "آمریکا زیباست" نقش بسته بود. نقشه آمریکا - به انضمام مناطقی نظیر تگزاس، کالیفرنیا و نیومکزیکو که در جنبه های استعماری و راهزانه تا ۱۸۴۶ تا ۱۸۴۸ آمریکا علیه مکزیک، از حاکمیت این کشور خارج و به ایالات متحده ملحق گردید - "زینت بخت" چمن استاد یوم بود. رقص افتتاحی بازیها، که بطور سمبلیک تاریخ آمریکا را تصویر می نمود، نقاط سیاهی از این تاریخ، از قبیل قتل عام وحشیانه ساکنان بومی آمریکای شمالی و غضب موطن آنها را، یعنی "تجلی تمدن آمریکایی" معرفی می کرد. ریگان رئیس جمهور آمریکا در نطق خود برای تیم این کشور قبل از شروع بازیها، از آنان خواست تا قبل از هر چیز بد نیال کسب پیروزی و مدال طلا باشند و مدالها را برای خود، حائزانه و وطن خویش و نیز ریگان (به ارمغان

آورند. در واقع هم، ریگان به هر مدال طلا برای آمریکا، بمثابة امتیاز مهمی در مسابقه انتخاباتی خود می نگرد. کمیته برگزاری بازیها نیز، یارو مددکار او است. از جمله، برنامه بازیهای دوچرخه سواری بانوان بسود تیم آمریکا تغییر داده شد. در این مسابقات، رسم ایسن است که نخست تیم های دوچرخه سواری مسابقات خود را برگزار می کنند، زیرا مسابقات تیمی بسا تضادها و آسیبهای کفتری برای ورزشکاران خمره است، و بدین ترتیب تعداد بیشتری از دوچرخه سواران می توانند در رقابتهای انفرادی شرکت جویند. اما برگزار کنندگان مسابقات، از آنجا که به پیروزی تیم آمریکا امید داشتند، مسابقات انفرادی را قبل از مسابقات تیمی آغاز کردند تا در همان روز اول آمریکا به مدال طلا دست یابد.



اعضای تیم هاکی هند روز سیسه جلوه ای از "مهبان نواری" آمریکایی آشنا شدند. در هنگام مسابقه با تیم آمریکا، افراتیون "سیک" در حالی که پرچم آمریکا را در دست داشتند، به فحاشی و عریده کشی علیه هند و توهین به پرچم آن پرداخته و به تماشاچیان هندی حمله ور گردیدند. پلیس آمریکا در جلوگیری از این اقدامات، کوچکترین کاری انجام نداد.

گزینش دانشجو ۰۰۰ بقیه از صفحه ۴

کرده است و اکنون با تجربه اندوزی از افتتاحیات سال پیش کوشش می کند هر چه سریعتر لیست نهایی مورد تأیید دستگاههای امنیتی خود را آماده سازد. علی رغم این تعهدات بساز رژیم آف قدر از این مساله که بالاخره ممکن است یک سری اسامی از زیر دستش در برود هراسان است که انتشار لیست نهایی را موقوف به پیش از ۶ ماه دیگر کرده است. ما فرمی را که دستگاههای امنیتی رژیم از مدتها قبل در اختیار مدیران مدارس، برخی از معلمین و انجمن های اسلامی دبیرستان گذاشته کلیشه می کنیم تا نشان دهیم معیارهای اصلی گزینش دانشجو در جمهوری اسلامی چیست. همانگونه که از این فرم بر می آید تحقیق تنها بر اساس این نظرخواهی صورت نمی گیرد و شکل پیچیده تر و همه جانبه ای دارد. با انتشار وسیع این سند و اسناد مشابه با آن باید کوشید سیاست سرکوبگرانه احتیاط آفرین و مبتنی بر تبعیض رژیم در زمینه گزینش دانشجو را متبعا در میان مردم افشا نمود و با توجه به زمینه مهیایی که وجود دارد از هم اکنون کوشید تا حرکت اعتراضی وسیعی را در میان هزاران هزار جوانی که چشم سهمیه "معتدین" نیستند و از نظر رژیم "صالح" تشخیص داده نمی شوند، سازمان داد. حرکت در این زمینه برد توده های وسیعی دارد و علاوه بر شرکت کنندگان در کنکور بسیاری از خانواده ها و نیز دانش آموزان سالهای آخر دبیرستانها را نیز در بر می گیرد.

مساله حجاب؛ توحش و رذالت بی حجاب

راکه خودشان همراه داشتند، سرکند پشتم این روسری نوشته شده بود "من یک فاحشه هستم" و نمونه ای دیگر از برخورد قضایی رژیم، درجه وحشیگری و سباحت قوه قضاییه ۱۰. رامی رساند زن دیگری باز، به خاطر اینکه روسری اندکی بالا بوده در تهران بوسیله "خواهران و برادران" بازداشت می شود و جهت "ارشاد" بیشتر به زندان اوین هدایت می گردد. در آنجا گردانندگان جانی اوین، سران زن رادرسطلی پرازسوسک فرومی کنند و زن در جاسکته می کنند. آنها بیکه جان سالم از دست دشمنان اوین بدر می بردند، مزمند، تصد نامه ای را که در آن قید شده است: "دیگرم فاحشه گری نخواهم کرد." با مضایرسانند.

آری، اینست نتیجه مقدماتی تلاش برای احیا یک فرهنگ فسیل و قرون وسطایی. آنچه را که امروز حاملان این فرهنگ عرضه می کنند، چیزی نیست، جز آمیزه ای نکند هند از توحش و رذالت. و اکنون داغ رنگی که بر سیمای آن می نشیند، به درازای تاریخ انسانی، نشان آن برپیشانی و لپسگرایان کوراندیش خواهد ماند. هرچند که دیرباز و نقطه پایانی بر این همه توحش و رذالت گذاشته خواهد شد.

"آنان پس از ارشاد و نصیحت اگر لازم باشد افراد بی حجاب راد سنگیر، و به قوه قضاییه تحویل دهند."

مقابل طعنت و افسنگر بازمان میهنان منظورتحمیل مهجورترین و عقب مانده ترین اندیشه زن ستیزانه که تعلق به هزارو چهارصد سال پیش دارد، صرفنظر از مقاصد شوم سیاسی که اجنالا به آن اشاره شد، اینک اجناتان ابعاد توحش آمیز و غیر انسانی یافته است که نظیر این رفتار و اعمال را تاریخ انسانی کمتر سراغ دارد. آنچه را که رهبران ۱۰. با جار و جنجال گوشخراش و تهوع آور، برخورد فرهنگی و ارشادی "می نامند، اجناتان نکند هند هوضد اخلاق استکبارانه که مراد متعدد آن به لحاظ استهجان عمل صرفنظر می کنیم. تنهاد و نمونه از برخورد "خواهران و برادران گشت های ارشاد" و سایر ارگانهای سرکوبگر خود گوئیای عمیق انحطاط و ابتذال فرهنگی و اخلاقی حاکمیت است. بر اساس خبر رسیده، در شیراز زنی را که روسری اندکی بالا رفته بود، "خواهران و برادران گشت" متوقف نموده و مجبور شدی کنند، روسری دیگری

بقیه از صفحه اول.

چندمین بار، نهایت توحش و فرهنگ منحط و فسیل شده رهبران خود را به نمایش گذاشتند. هجوم و حشیانه لومینها و قه کشهای حزب الله، و ابعاد ضرب و شتم زنان از طرف آنها بقدری سبعمانه بود که حتی جراید اربعه و قیخانه بالحن حمایت آمیز اخبار مربوط به "درگیری بین نمازگزاران علیه بی حجابی و عده ای که لزوم رعایت پوشش اسلامی را رد کرده بودند"، منعکس ساختند.

بخشی از مقامات ۱۰، با توجه به ابعاد وسیع حملات تبعیهای او باش قه کش، باز طبق معمول سعی کردند، عوام فریبانه روابط خود را با آنها پنهان سازند، اما اظهارات، مناطق نوری بالاترین مقام انتظامی کشور، گوئیای این واقعیت است که دیگر آنها نیازی به پنهان داشتن چهره عدانسانی و ارتداعی خود نمی بینند. وزیر کشور که یکی از سازماند هندگان قه کشهای حرفه ای حزب الله، است، در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی خود، "وظیفه نصیحت و ارشاد" را "تکلیف شرعی" آنها می نامد و توصیه می کند که

گزارشی از اوین، قسمت آخر

آوردگاه شرف انسانی و درنده خویی حیوانی

اوین خون می طلبد!

دراولین شبی که مرا به داخل بنسند فرستادند، با شماره کردن صدای تیرهای خلاص پی بردیم که ۲۳۰ نفر را اعدام کرده اند. هفته ای چند شب در اوین، همین قصه تکرار می شد. مغز و ۳ هادر داخل زندان می پیچید و بعد صدای تیرهای خلاص: يك، دو، سه، ... بیست ... سی ... هفتاد ... نه! این رشته را پایانی نیست! اوین از خون سیراب نمی شود. آنکه فرمان پی افکندن این اسارتگاه را داد، مقدر ساخت که اوین، خون طلبد. سازنده اوین؛ اکنون به دست تاریخ اعدام شده است و لسی مرده رنگ سیاهش، هنوز بر همان قراری که سه مطلوب او بود، می چرند و برخاک منحوسش، خون می ریزد. خاك اوین، نفرین شده نیست. هیچ خاکی، چنین نیست. سخن، از يك نبرد تاریخی است و تداوم همین نبرد است که دیر و امروز اوین را در راستای هم می نهد. سخن بر سر لگد کوب ساختن انقلاب است و ایثار بر سرای حفظ و تداوم انقلاب.

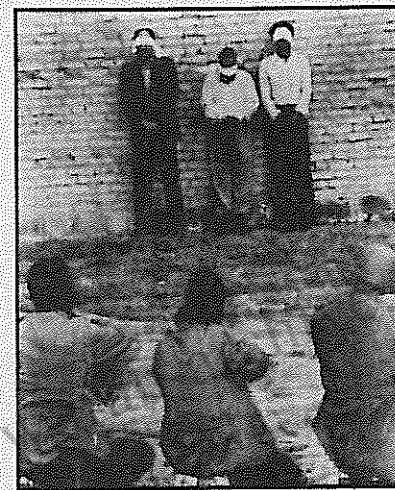
دیگر همگان می دانند که جمهوری اسلامی، اسامی اعدام شده هارا، اعلام نمی کنند. لاچوردی جلاد، يك روز در "حسینه"، ضمن اعتراف به این نکته، و قیاحانه اظهار داشت: "این خواسته خود خانواده های معدومین است. آنها می گویند اسم بچه هایمان را در روزنامه ها اعلام نکنید، تا ما پیش درو همسایه هایما، شرمند نشویم!"

دشمنان، فرزندان خلق را دسته دسته به قربانگاه می فرستند، درخون نریزی و جلادی، روی همه خونخواران و جلادان تاریخ را سفید می کند و آنگاه بانی شرمی تمام، مدعی می شوند تیرباران مخفیانه زندانیان، برای حفظ حرمت خانواده آنهاست. حقا که جمهوری اسلامی، وقاحت مجسم است!

شیوه اعدام کردن نیز در اوین، سوای همه زندانهای مخوف دیگر تا توریهای تمام طول تاریخ است. در اوین، و دیگر کشتارگاههای رژیم، تا آخرین لحظه نیز، زندانی را شکنجه می کنند. بعضی از زندانیان را یکبار در برابر جوخه اعدام قرار می دهند. ابتداء مقابل چشم آنان، دیگران را نشان ربه گلوله می بندند، بعد از آنها می خواهند که اجساد تیرباران شده هارا جمع کنند. بعضی اوقات تنها به دست و پای زندانی شلیک می کنند تا زجر بیشتری بکشد. در این حال از زندانی می خواهند خودشان داخل کیسه حمل اجساد بروند تا وقتی در داخل کیسه قرار گرفت، تیر خلاص را شلیک کنند. اوج جنایتکاری آدمکشهای اوین، وقتی است که زندانی را و می دارند در "استخر"

بدود، تا آنها، در حالی که به نحو وحشیانه ای می خندند و فحاشی می کنند، با شلیک به درو بر او، خوی سادیستیشان را ارضاء کنند.

دزندان اوین، من موارد زیادی رایبه چشم خودم دیده ام که برخی از زندانیان، حکمشان اعدام نبوده، ولی يك شب به سراغشان آمده اند، حکم جدید "دادگاه غیبی" را بیسه دستشان داده، و روانه قربانگاهشان، ساخته اند.



"اعدام های اشتباهی"

وقتی که فرزندان خلق را، دسته دسته بر مبنای احکام "دادگاه" های يك دقیقه ای، به جوخه اعدام بفرستند، طبیعی است که پیش می آید، کسانی نیز تیرباران شوند که "شان، اعدام نبوده است. در اوین، من موارد متعددی از اعدام های اشتباهی رایبه چشم خودم دیدم و یا این که از دیگران شنیدم. گاه پیش می آمد که برادر ریحای برادر تیرباران می شد و یا یک تشایفاسمی، سر یکی را بالای داری برد. "دادستانی" يك لیست، دست پاسداران می دهد. و آنها که به زور خواندن و نوشتن می دانند، بر مبنای آن، به داخل بند می آیند و افراد را برای بردن به قربانگاه، بیرون می کنند. کسی حق پرس و جو ندارد.

تقریباً هر وقت کسی را می خواهند به هر دلیلی احضار کنند، پاسداری که به دنبال زندانی می آید، در حالی که به نحو کیهانی، می خندد، داد می زند: "فلانی کیه؟ بیاد بیرون! غزلش خونده شده!" و زندانی تصویر می کند، واقعا او را می برند. تا اعدام کنند.

وقتی پاسدارهای آمدند تا اعدامی ها را ببرند، بقیه تا در اقل نمی گردند، خیالشان از بابت خودشان، آسوده نمی شد. پاسداری که معمولاً به "اتاق" مامی آمد، هر

وقت می خواست کسانی را با خود ببرد. برای اعدام یا هر کار دیگر لیستی را که در دست داشت باطمانینه می خواند. هر کسی را که نام می برد، دقیقه ای مکث می کرد و در چشمهای بقیه، خیره می شد. گاه و نامودی کرده خودش دارد، انتخاب می کند. بعضی وقتها تنها هر به حواس پرتی می کرد. اسم يك نفر را می خواند و بعد می گفت: "نه! مثل این که يك نفر دیگر بود." و بعد نگاهش را در اتاق می چرخاند و يك دقیقه داد می کشید: "هی! بد بخت! سرت را بالا کن ببینیم! مثل این، که خودتی! بلند شو بیافرا!" و بعد خنده کیهانی می کرد و می گفت: "برو بتفرگ! فردا شب نوبت توست، ولی نکار يك متفق کم داریم! آنگاه دوباره به لیستی که در دست داشت، خیره می شد و می گفت: "آهان، پیداش کردم! تو اون یکی اتاقه. شانس آوردید یکی از شماره جای او، به درک نفرستادم!" او حتی وقتی که می خواست از سلول خارج شود، با حالت کیهانی داد می زد: "اگر تعداد کافی نبود، می آم دو سه تا از شما را می برم. منتظرم باشید!" پاسدارها معتقد بودند "اگر کسی اشتباه اعدام شود، باعث خوشبختی اوست. این، باعث می شود سر از جهنم در دنیا وارد و یکسروانه بهش بگردد!"

در اواخر پاییز ۶۰، يك نوجوان پانزده شانزده ساله را به اتاق ما آوردند که من در اینجا اسم او را "علی" ذکر می کنم. علی را به این آنها گرفته بودند که زیر برخی از آیسمهای کتاب قرآنی که داشته، مخپ کشیده و در حاشیه آن، جملاتی را نوشته بوده است. یکی از همسایه های حزب الهی خانه آنها، قرآن او را می بیند و بخاطر اختلافی که با خانواده وی داشته، بجزستان را آب و تاب می دهد و به گوش مسجد محصل می رساند که "چه نشسته اید که اسلام از دست رفت! پسر فلانی پر کتاب خدا، حاشیه نوشته است!" مسجد محل نیز که این نوجوان، در آن، سمت همکر (تکبیر گو در هنگام نماز جماعت) را داشته است، به خیال اینکه "نفوذی" کیسر انداخته، فورا جریان را بنفیسه محل گزارش می کند و آنها نیز بلافاصله می آیند، او را می گیرند و روانه اوین می سازند. يك روز علی را برای بازجویی احضار کردند و حدود ساعت ده شب، به "اتاق" برگردانند. وقتی که برگشت، دیدیم لبهایش خشک شده، رنگ صورتش پریده و حالت وحشت زده ای دارد. ابتدا خیال کردم شکنجسه اش کرده اند، ولی بالاخره خود او با صدایی گرفته و لرزان، جریان را بر ایان تعریف کرد:

"بعد از این که بازجویی تمام شد، بازجوییم دستم را گرفت و کنار یک عده زندانی دیگر نشاند. بعد از مدتی چند نفر پاسدار آمدند و ما را سوار یک مینی بوس کردند. در داخل مینی بوس، از کسی که بغل دستم نشسته بود پرسیدم: "شعاعال کدام بند هستید؟" او جواب داد: "ما اعدامی هستیم!" فکر کردم شوخی می کند. همین سؤال را از يك نفر

دیگر کردم . او هم جواب داد : " ما اعدامی هستیم ! بعد چند تا یشان شروع کردند به سرود خواندن و شعار دادن . من ترس سر تا پای وجودم رافراگرفتم . شسروع کردم به فریاد زدن . در همین هنگام مینی بوس را افتاد . من دیگر گریه می کردم و نعره می زدم . اما کسی به من توجه نداشت . پاسداری که بغل در نشسته بود ، به من فحش می داد و بسسه گریه های من ، می خندید . من دیدم نه ، راستی راستی دارم اعدام می شود ! پاهایم رابه کف ماشین کوبیدم و باتعام وجود ، فریاد زدم . یک پاسدار که جلوی مینی بوس نشسته بود ، آمد عقب تا مرا ساکت کند . یقه اش را گرفتم و گفتم : " بابایان اعدامی نیستیم ! هنوز دادگاه نرفتیم ! " بالاخره با کلی قسم و آیه و عجز و التماس ، حاضر شد مرا برگرداند و در این مورد ، تحقیق کند . وقتی آن پاسدار ، بازجویی را پیدا کرد ، به او گفت : " این کافر می گه اعدامی نیست ! راست می گه ؟ " باز جوخندید و جواب داد : " آره ، بد بخت راست می گه ! " و بعد دست مرا گرفت و گفت : " شانس آوردی ! اعدام از بغل گوشت رد شد . " واقعا هم شانس آوردم . نزدیک بود سوراخ سوراخم کنند ! "

"حاضری جوخه بشی؟"

در تخمینی که او بین و دیگر زندانیان جمهوری اسلامی را اداره می کند ، بر مبنای خط ضد بشری ای که از سران رژیم گرفته اند ، وظیفه خود را مسخ انسانهای در بند می دانند و در همین راستاست که برخی از قربانیان این خط ضد انسانی را که عنوان " تواب " گرفته اند ، گاه و امی دارند که در اعدام یاران دیر زوجهش ، شرکت جویند . در زیر ماجرای دو نفر را که در اینجا آنها را با اسامی نقی و غلام نام می برم . برای نشان دادن ابعاد دمنشی هایی که در اوین صورت می گیرد ، برایتان شرح می دهم : نقی حدود ۱۶ سال داشت . اهل روستاهای اطراف زنجان بود ، در فقر بزرگ شده بود ، سواد نداشت و فارسی رابه سختی حرف می زد . او را که به هیچ گروهی وابسته نبود و اصلا از سیاست سرد رنمی آورد ، برای هیچ و پوچ گرفته بودند . او به تهران آمده و بعد از مقداری این دروآن در زن ، برای کمک به خانواده و گذران زندگی خودش ، پادوی یک مغازه شده بود . پاسداران او را به این اتهام گرفته بودند که یک پاکت را (که گویا محتوی مقداری اعلامیه بوده است) از یکسوی از دوستان صاحب مغازه گرفته و به وی تحویل داده بود . جلادان او را مد تهازده بودند و گمان می بردند که نقش بانی می کند . بالاخره برایش دو سال زندان بریده بودند . غلام نیز همسن و سال نقی بود . محصولی بود که گزارش کرده بود ندا اعلامیه پخش کرده است .

یک روز ، یکی از پاسداران ، به داخل اتاق " ما آمد و گفت : " به دو نفر احتیاج

داریم " و بعد نقی و غلام را صدا زد . وقت شام شد ، ولی آنها برنگشتند . ساعت هشت و نیم شب که به دستشویی رفتند ، نقی را در داخل حمام دیدیم که سرپا خون آلود است ، رنگ رویش بریده و صدایش می لرزد . وقتی به داخل سلول برگشتیم ، نقی به سئوالات بچه هادراین مورد که براوجه گذشته ، جواب نداد . انگار لال شده بود . هر چه هم که اصرار کردیم ، شام نخورد . گوشه ای دراز کشید و خوابید . ولی توی خواب ، پیوسته جیغ می کشید . چندین بار هم بیدار شد و گریه کرد . صبح که شد ، بالاخره به حرف آمد و ماجرای راکه برا و غلام گذشته بود ، به این صورت حکایت کرد :

" من و غلام را از اینجایا یک ما بین سه دادستانی بردند و بعد از هم جدا یان ساختند . در آنجا داد یار از من پرسید : " حاضری جوخه بشی ؟ " من ترسیدم و گریه کردم . او گفت : " حالا که نمی خواهی جوخه بشی ، پس برو در جمع کردن جنازه ها کمک کن ! " بعد مرا سوار یک ماشین کردند و بردند به محلی که در آن عددای پاسدار نشسته و به طرف سیزده نفر دختر و پسر چشم بسته ، قراول رفته بودند . بغل دست هر پاسداری ، یک نفر زندانی قرار داشت که موظف بود ماشه را بچکاند . غلام نیز جزو آنها بود . بعضی از اعدامی ها شعاری دادند . آنها خیلی دلایر بودند . فرمان آتش که داده شد ، همه شلیک کردند . تیرباران شده ها به روی زمین افتادند و شروع کردند غلظت زدن به این طرف و آن طرف . همه جا را خون گرفته بود . بعد پاسدارها رفتند و تیرهای خلاص را زدند . من چشمهایم داشت از حدقه در می آمد . به یکی از دخترها که بایک تیر نمرد و هنوز این رو غلظت می زد ، دوبار شلیک کردند . من سرم کج رفت . حالم داشت بهم می خورد . ولی ترسیدم به دستور پاسدارها که داد زدند " جنازه ها را بریزید داخل ماشین ! " گوش نکنم . ماشین ، یک بنز خاور بود که به کامیونهای حمل گوشت می مانست . جنازه ها را بغل کردیم و داخل ماشین انداختیم . بعد از تمام شدن کار ، ما را سوار کردند و به اینجا برگرداندند . وقتی داخل بند شدیم ، غلام به من گفت : " من دیگر به اتفاق شعاعی آمیم ! از بچه ها خجالت می کشم " و بعد خیلی التماس کرد تا پاسدارها ، حاضر شدند جای او را عوض کنند . "

اعدام های نمایشی : ضد انسانی ترین نوع شکنجه های روانی

در اوین و دیگر شکنجه گاههای جمهوری اسلامی ، بسیاری از زندانیان ، چند بار اعدام شده اند . جلادان برای شکستن مقاومت زندانی و ملموس کردن مساله مرگ برای او ، نشان دادن این که جمهوری اسلامی آدم کشتر برایش مثل آب خوردن است و بالاخره سنجش روحیه زندانی و بی بردن به عکس العمل اسیری که گمان می برند نقش بازی می کند در برابر جوخه اعدام ، گاه زندانی رابه سوژه یک نمایش

کاملا طبیعی تیرباران تبدیل می سازند . من خود ، یکبار به طور نمایشی ، همراه با عدد دیگری از زندانیان ، پای جوخه اعدام رفتم که ماجرای آن چنین است :

حد و دیک ماه و نیم بعد از این که در این گرفتار شدیم ، یک شب پاسداران در سلول جمعی را باز کردند و فریاد زدند : " اعدامی ها شیبیان بیرون ! " و بعد اسامی تعدادی از زندانیان را خواندند که اسم من هم جزو آنها بود . بلند شدیم و باقیه بچه ها ، وداع کردیم . وداع تلخی بود . دست هم بند هایمان را محکم می فشردیم و برچهره آنان ، بوسه می زدیم . برخی از بچه ها می گریستند . بعضی ها خشکشان زده بود . بعد از خروج از سلول ، چشمهای ما را بستند و دستور دادند که در یک صف ، بایستیم . من مخصوصا به این دستوری توجهی نکرده بودم . دلم می خواست تشنه ایجاد کنم تا برای چند لحظه هم که شده ، مرگ را از یاد خود و دوستانم ببرم . یک پاسدار چند بار به من تنگ داد و بعد مرا آنچنان هل داد که محکم به یک نفر دیگر خوردم و هر دو نقش بر زمین شدیم . پاسدار دیگری آمد و بسا لگند به پهلوئی من کوبید و داد زد : " بد بخت ! این دم آخر هم تا فرمانی می کنی ؟ " و بعد از من خواست که از جا برخیزم . خواستم بلند شوم ولی او مجددا با سوزناویش به صورتم کوبید و باز من تعدادم را از دست دادم و بسه زمین افتادم . یکی از فرقا شروع به اعتراض کرد . پاسدارها به طرف او متوجه شدند و عربده کشیدند : " خفه شو ! وقتی تیربارانت کردیم می فهمی غرغر کردن یعنی چه ؟ بد بخت ! " رفیق ، شجاعانه جواب داد : " شفا دراصل انقلاب را تیرباران می کنید نه ما را ! " یکی از پاسدارها کشیده محکمی به صورت او زد و گفت : " ببند دهن کنیفتو ، کمونیستی شرف ! هم تو را گوریه گور می کنیم و هم انقلابت را ! " بالاخره ما را از بند خارج کردند و سوار یک ماشینمان ساختند . مینی بوس مقداری پیش رفت و بعد وارد یک جاده خاکی شد . حسن می کردم که داریم از تپه ای بالایی روی می یکی از بچه ها که خیلی جوان بود ، گریه می کرد . یکی دیگر به او دل داری می داد . یکی از بچه ها خواست سرود بخواند . یک نفر دیگر به پیش زد و گفت : " یک مقدار صبر کن ! شاید نمایشی باشد . " بالاخره مینی بوس ایستاد . پیاده شدیم . چشم بند من ، آن هنگام که از پاسدارها کتک می خوردم ، مقداری کناره رفته بود . من مخصوصا آنرا مرتب نکرده بودم و حال تا حد و دی می توانستم ، اطرافم را ببینم . در همین بوسه را تعداد زیادی پاسدار مسلح گرفته بودند . در مقابلمان یک تپه بود . این همان تپه ای نیست که جزئی و یارانش را برقراران تیرباران کردند ؟ شاید ! در یک آن ، این اندیشه از مغز من گذشت . کوشش کردم که آن صحنه را در ذهنم مجسم کنم . دلم قصرت شد . بعد تا ویر دیگری را از خاطر گذراندم . رفقایم را ، دوستانم

"حیدر، حیدر...!" یک شعار پر معنی

کمیت و شهرتانی در صدد متفرق ساختن مرد پیر می آیند. مردم به تدریج شعار "حیدر، حیدر...". را دم می گیرند و چنان یورش می آورند که در مسجد از جا کنده می شود.

اخیرا مدیریت کارخانه ایرانا تصمیم می گیرد که به بهانه های گوناگون بر ساعات کار بیفزاید. کارگران خشمگینانه نسبت به این تصمیم، اعتراض می کنند و در حالی که متحدان شعار می دادند، روانه خیابان می شوند. یکی از شعارهای کارگران بویژه در آغاز اجتماعشان "حیدر، حیدر...". بوده است.

ما در زمینه استفاده از شعار "حیدر، حیدر...". در کارخانه ها، در صف های مربوط به خرید مایحتاج عمومی و در اجتماعات مختلفی که، نیروهای سرکوبگر رژیم را در مقابل خود می بینند، شهرهای متعددی داریم که از میان آنها به ذکر چهار نمونه فوق، بسنده کردیم.

جمعیت همه خبرهای مذکور نشان می دهد که در شعار "حیدر، حیدر...". بایستد ویژگیهایی وجود داشته باشد که ایستادن مورد اقبال عمومی قرار گرفته است. این ویژگیها کدامند؟

۱- شعار "حیدر، حیدر...". در حرکت های مطالباتی مطرح شده ولی خود یک شعار مطالباتی نیست. این شعار، یک شعار سیاسی است، ادعای مایه ایست بر علیه حکومتگرانی که در دستگیری روی حکام مغول را هم سفید کرده اند.

۲- شعار "حیدر، حیدر...". یک شعار تعرضی است و یا دقیقتر بگوییم شعار دعوت به تعرض است. شعاری است که مخاطب خود را فرامی خواند تا دیگر به ستم و سرکوب شدن ندهد و به یک حرکت جمعی بپیوندد.

۳- شعار "حیدر، حیدر...". شعاری است که جمع آن را سر می دهد و ناظر بر تدارک یک جمعیت است. این شعار بر ضرورت اجتماع و اتحاد، تکیه دارد.

۴- شعار "حیدر، حیدر...". تشریحی است ولی مستقیم نیست، صریح است ولی با یک پوشش همراه است.

۵- شعار "حیدر، حیدر...". برگرفته از روایات، فرهنگ و خلق و خوی ملت است.

بیک اعتبار "حیدر، حیدر...". یک شعار نیست. دقیقتر آن است که آنرا نه یک شعار "بلکه یک علامت" بدانیم که قریباً فراموش خواهد شد و جای خود را به شعارهای شقاقت و علایم روشنتری خواهد داد.

به "حیدر، حیدر...". باید به مثابه آئینهای برای باز نمودن سطح جنبش نگریست. جنبشی که هر آن گسترده می شود و پتانسیل آن تا به حدی است که در آن هر خواستگاری مطالباتی، سرعاً یک بار سیاسی تعرضی می یابد.

توده های زحمتکش ایران، در جریان حرکت انقلابی ۵۶-۵۷ شکلها و شیوه های بسیاری از خیزش گسترده مردمی را ارائه کردند که در نوع خود کم نظیر بود و در دفتر انقلابات جهانسی جایگاه ویژه ای یافته اند. هم اکنون زحمتکشسان مبین ما که پی برده اند میوه جینان قیام بسسه انقلاب پشت کرده و دستاورد های آنرا یکی بعد از دیگری لگد کوب می سازند، برای اقتراض به سیاستهای ضد مردمی رژیم، برای مقابله با راهی که متضمن انبعاث و احیای مواضع امپریالیسم و سرمایه داری وابسته در ایران است و برای مقابله با اقدامات سرکوبگرانه و ترور و سفقت موجود از شیوه های استفاده می کنند که در تاریخ مبارزات ملتها در شرایط ترور و خفقان، شکست انقلاب و پدید آمدن یک خیزش نهم نیز جایگاه برجسته ای خواهد یافت.

بررسی دقیق این شیوه ها که در بسیاری از موارد خود بخودی اتخاذ می شوند، یکی از مهمترین وظایف نیروهای انقلابی است. تنها با توجه عمیق به شکلها و شعارهای حرکات اعتراضی خلق می توان در جهت ارتقای آنها حرکت کرد. دقت بر روی شیوه ای که مردم، هم اکنون در حرکات اعتراضات خود به کار می بندند بهترین معیار برای شناختن پتانسیل جنبش و سمت و سوی آن است. مادر زبیر ابتدا چند خبر از حرکات اعتراضی اخیر رژیم و سپس شعار مشترک در آنها را مورد یک بررسی مختصر قرار می دهیم.

- در روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ماه) امسال خلخالی در کارخانه ایران ناسیونال سخنرانی داشت. کارگران به اجبار و با اکراه در این جلسه حاضر می شوند. آنها برای این که ناراضی خود را از تعطیل شدن این روز و تنفر خود را نسبت به مبلغین رژیم و سیاستهای ضد کارگری حکومت بروز دهند همگی به تدریج دم می گیرند و شعار "حیدر، حیدر، الله اکبر، مرگ بر ستمگر" را تکرار می کنند. لازم به توضیح است که تکرار نام حیدر در سریال "سربداران" که اخیرا در تلویزیون به نمایش گذاشته شده، شاخص سر آغاز یک قیام و پیوستن دهقانان و زحمتکشسان به یک حرکت خلقی بسره علیه خان مغول است.

- در تاریخ ۲۲ فروردین ماه امسال کارگران کارخانه لولمسازی و ماشین سازی ایران به دنبال زمینه مساعدی که از درگیری بیین انجمن اسلامی و مدیریت کارخانه فراهم می شود، دست از کار می کشند و دست به تظاهراتی می زنند که منجر به فرار مدیران کارخانه می شود. شعار کارگران "حیدر، حیدر...". بوده است.

- در اردیبهشت ماه امسال در شهر اهواز از متقاضیان ساعت مچی با نرخ دولتی خواسته می شود که به دفتر مسجد خیابان طالقانسی رجوع کرده و نام خود را ثبت کنند. حدود دو هزار نفر در مسجد ازدحام می کنند و یک شب را در مسجد می گذرانند. فردای آن شب

نقشه از صفحه ۷

زادگان و نوازه ام را، روزهای انقلاب را، تلاش بچه ها را، زحمتکشانی را که در کنارشان بسزرگ شده بودم. هی! تونزدن می مانی مرد! ثبت است برجیده عالم دوام ما، در این خیال پاسدارها، مرتب گلنگدن می زدند و کرکسری می خواندند: "جرامزاده های کافر، کارتان نسام است!" من دلم می خواست فریاد بزنم که "نه! کار ما تمام نیست!" اما چنان مجذوب آن صحنه شده بودم که دهانم باز نمی شد. آن هنگام فقط یک اندیشه داشتم: کار ما را بالای تپه می بردند تا یک بار دیگر تهران را تاشا کنیم. تهران این شهر بزرگ و پر تپش را! یاد تظاهرات تهران افتادم در زمان انقلاب و بعد از آن میتینگ های سازمان. دلم می خواست نزدیک آن رفیقم بودم که به پاسدارها گفته بود: "شهادت راضی انقلاب را تیرباران می کنید." حسن می کردم لازم است به او بگویم: "رفیق! انقلاب زخم برمی دارد، ولی نمی میرد!" در این اندیشه بودم که یکی از بچه ها فریاد زد: "جرا بیکار نشسته اید؟ زود بایستید خلاصمان کنید!" حرف او تمام نشده بود که یک پاسدار، با قنداق تفنگ، خوابانند روی سینه اش. او نقش بر زمین شد. پاسدار لگد دیگری به او زد و نفسش را در سینه اش بند آورد. حدود نیم ساعت به همین منوال گذشت. اما چه نیم ساعتی؟! یک قرن بود! همه گویا با لگدم شده بودیم. کسی حرف نمی زد. تنها صدای گلنگدن گاه و بیگاه پاسدارها، آن سکوت سنگین را می شکست. از فراتر تپه با دخنکی می وزید. حسن می کردم خیلی سبک شده ام. با دیگر یارانی که در کنارم ایستاد بودند، احساس یگانگی عجیبی می کردم. حسن می کردم همه ما یک تن هستیم و اکنون یک اندیشه از خاطر همه مان می گذرد. من به فکر آن افتاده بودم که به نوبی آن سکوت جادویی را بشکنم که ناگهان یکی از پاسدارها گفت: "راه بیفتید جرمزاده ها!" راه افتادیم. مقصداری که جلو رفتیم به یک ساختمان نوساز رسیدیم. وارد آن شدیم. در آنجا ما را به داخل یک اتاق، هل دادند. پارچه ها را که از جلوی چشمان کنارت زدیم، هریک لحظاتی طولانی به دیگران نگریستیم. کسی حرف نمی زد. دهانمان خشک شده بود. هریک در گوشه ای چمپانه زدیم. رفیقی کسه می خواستم در مورد جا و دانگی انقلاب با او حرف بزنم، رو بپریم نشسته بود. به من لبخند می زد. با شدم کنارش نشستم. دستش را در دستم گرفتم و در گوشش زمزمه کردم: "انقلاب را تیرباران می کنند." اما انقلاب نمی میرد! زخم برمی دارد و ولی زنده می ماند! "در همین لحظه صدای رگبار جویخه اندام، ما را دچار حالتی مثل برق زده ها کرد. چند نفر زدند زیر کمره. رفیقم شروع به شمارش تیرهای خلاص کرد. من دوباره، تکرار کردم: "انقلاب زخم برمی دارد، اما نمی میرد!" او گفت: "سی نفر!" و من با صدای خفیه ای شروع به خواندن کردم.

به قلب پر خون، این ملت

نگیرد این شعله خاموشی...



در حاشیه

روحانیون نباید هوس نوشیدن شربت شهادت را داشته باشند

امام جمعه باختران خطاب به آخوند های حوزه علمیه این شهر :
" راهی راکه شما انتخاب کردید ،حتسی ازره شهدا مهمتر است . گاهی آدم هوس می کند به جبهه برود ولی ارزش این از جبهه بیشتر است برای این که راه شهدا منتهی به دم (ریختن خون) شهدا می شود ."
(جمهوری اسلامی - ۱۶ تیر)

نبوغ و جنون

" وقتی که نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی ، مقدار زیادی از وقت دویتر را روی مسائل مختلفی مثل تورم می گذرانند ، باید چند برابر این اوقات را روی جنگ که به وجود آورنده این تورم است ، صرف نمایند و در جهت پیشبرد بهتر جنگ با سپاه ارتش و دیگر نهاد ها تلاش کنند ."
(محمد امین عفری نماینده آبادان - کیهان ۲۷ تیر)

" نظریه این که اصل جنگ در افزایش یا کاهش تورم ، موثر است ، لذا برای مبارزه با تورم باید جنگ را همچنان مساله اصلی قلمداد کرد تا با حل پیروزمندانه جنگ ، بتوان اقدام موثری در کاهش تورم داشت ."
(عباسعلی بهاره نماینده ساری - جمهوری اسلامی ۲ مرداد)

"ماورای ماده" که نشد ، "ماورای بحار" که هست!

توسل جنتی یکی از فقهای شورای نگهبان به " ماورای ماده " برای شکستن بن بست فعلی در جبهه های جنگ :
" آنچه که می تواند آینده انقلاب ما را تعیین کند ، مساله جنگ می باشد که قرار و تشبیهایی داشته و پیشرفتهایی حاصل کرده است . در مورد این مساله سرنوشته ساز ، از ابعاد مختلف می توان بررسی کرد . ولی نقطه اصلی که باید بررسی کنیم ، این است که ما باید از ماورای ماده ، یعنی خدا کمک بخواهیم و روی محاسبات معمولی و سیاسی تکیه نکنیم ."
(آزادگان - ۱۶ تیر)

طفل نابغه

اخیرا فهیم کرمانی نماینده کرمان و رئیس کمیسیون اصل ۹۰ در طی يك مصاحبه اختصاصی با کیهان اعلام کرده است " مجلس دوم همچون طفل نوزادی است که هنوز نه به راه افتاده و نه

به حرف . باید آن را تقویت کنیم تا ببینیم به چه طریق و چه راهی است و بعد در مورد آن گفتگو و قضاوت کنیم ."
به اعتقاد ما آقای فهیم کرمانی ، شکسته نفسی می فرمایند ، مجلس دوم طفلی است که یکشنبه ره صد ساله رفته است و دیگر به شورا ی نکهبان نیز نیاز ندارد تا دستش را بگیرد و پسا بیا ببرد و یا يك حرف و دو حرف بر زبانش ، الفاظ نهد تا گفتن بیاموزد .

تصمیم با بالایی هاست ، تقصیر با پایینی ها

حمیدی نماینده همدان در مجلس :
" شکی نیست که هر قدر به مسئولان رد ه بالا اعتقاد داشته باشیم ولی مسلما در رده های پایین ، افرادی وجود دارند که در آب و هوای دوران طاغوت رشد کرده و احیانا امروز مطابق مصلحت رنگ عوض کرده اند"

ما در درجه اول خود را موظف می دانیم ناصحانه و مشفقانه این مطالب را به همان مسئول تذکر دهیم ، ولی هنگامی که ترتیب اثر ندادند و یا احیانا ما را یا بالاتر درگیر کنند بگویند دستور از بالاست تکلیف ما چیست ؟ " (کیهان - ۱۸ تیر)

تجاهل

بودی ساوجی نماینده ساوه در مجلس :
" در شرایط کمبود و وسایل و لوازم زندگی و وجود سهممندی ، چرا تحت عنوان نهاد ها و ارگانها ، اشیاء و کالاها و لوازمی را که به سختی باید به دست مردم برسد ، به بعضی کارمندان عالی رتبه می دهند ؟ " (کیهان - ۱۶ تیر)

یکی از دستاوردهای "انقلاب فرهنگی"

وزیر فرهنگ و آموزش عالی :
" ما از زمان تعطیل دانشگاهها تا کنون حدود ۳۵۰۰ استاد دانشگاهی را به شکلهای مختلف از جمله بازنشسته ، بازخرید و غیره از دست داده ایم ، در حالی که در مقابل این تعداد ، تنها توانستیم رقمی کمتر از هزار نفر را جایگزین کنیم " (کیهان - ۱۹ تیر)

تحقیقات یا تبلیغات

بعد از مضحکه انقلاب فرهنگی ، جمهوری اسلامی برای اینکه وانمود سازد نایغه هاست و دانشمندان دانشگاهها را دیگر ریسست در اختیار تحقیقات علمی قرار داده اند و پشت سر هم اکتشاف و اختراع می کنند ، مدت ها در این مورد تبلیغ کرد . نیا ، روش کمخود قبلا با اصطلاح استاد دانشگاه بوده است ، حال پرسشند نمایندگی مجلس نشسته و از وضعیت کنونی آن تحقیقات علمی ادعایی به خوبی اطلاع دارد ، اخیرا در مجلس به دلیل برخی حسب و بغض ها دست محققین دانشمند رژیم را به صورت زبرو می کنند .
امین نمی دانم بر طبق چه اصولی تحقیقات در دانشگاهها ، به عهده این ارگان دانشجوویی (جهاد دانشگاهی) قرار گرفته است و بودجه کافی و بدون حساب و کتاب در اختیار آنهاست

و بعد هم با تبلیغات زیاد در رسانه های گروهی تحقیقات انجام شده آنها را بی عیب و نقص و موفق اعلام می کند . آیا با این روش ، تحقیقات اصولی و مورد نیاز کشور در دانشگاهها ، از بین نخواهد رفت ؟ " (کیهان - ۳۰ تیر)

بازار در برابر پاساژ

اخیرا بنا بر تصویب شهرداران سراسر کشور احداث پاساژ درهمه شهرها ممنوع شده است . دلیلی که برای این تصمیم ارایه شده بسیار شنیدنی است . شهرداران سفهان در این مورد گفته است : " این تصمیم به لحاظ نقض مخربی است که شهرسازی غربی باد ستهایی که سابقا در کار بوده است به ما تحمیل کرده و اینکار بیشتر به خاطر برهم زدن بازار و بازارچه های سنتی ما بوده است که سیستم تجاری ما را به عهده داشتند . " (کیهان - ۲۸ تیر)

يك "سیندرلا" ی دیگر

کیهان ۱۷ تیرماه از دستگیری اعضای يك باند تبهکاری که آنان نیز همچون گنست سیندرلا ، به مطاب الفتائی کمیته و سپاه عمل می کرده اند ، خبر می دهد . اینان نیز آگر به فرض محال خودشان پاسدار نباشند به تقلید از برادران پاسدارشان در حالی که کارت و احکام آنها را به همراه داشته اند ، شیانه به خانه مردم می ریخته و اموال آنان را به غارت می بردند .

انجمن های اسلامی یکی از ارکان "ساواما"

حجتی عضو فقهای شورای نگهبان و سرپرست سازمان تبلیغات اسلامی :
" من معتقدم که انجمن های اسلامی در حکم چشم ، گوش و بازو برای انقلاب (بخوان ساواما) می توانند باشند . اینها خدمتگزارانی هستند که بدون چشم داشت حقوق ، خود بخود در خدمت انقلاب (ساواما) قرار دارند و می توانند توطئه ها و خطوط انحرافی را کشف بکنند و در مقابل آن ، درحد و وظیفه ای که دارند و درحد و مقرراتی که وجود دارد بتوانند راه چلهایی پیدا کنند این نهاد باید تقویت بشود و . . . به عنوان يك نیروی ذخیره و احتیاط ، برای انقلاب (ساواما) محفوظ بمانند . " (اطلاعات - ۱۹ تیر)

مشت نمونه خروار

معماری نماینده اهر :
" ۱۳۰۰ روستای منطقه ما (اهر) يك دامپزشک ندارد و از طرف دیگر برای ۷۰۰ تراکتور متعلقه در طول ۲ سال ۹ حلقه لاستیک فرستاده اند ، آیا این رسیدگی به وضعیت کشاورزان است ؟
مادر ۱۳۰۰ روستایک پزشک نداریم
دکترهای بتگلا دشی راهم که فرستاده اند مددا باید بالال بازی با آنها صحبت کرد . " (کیهان - ۱۸ تیر)

همبستگی "کنفدراسیون کارگران پاکستان" با طبقه کارگر و نیروهای انقلابی ایران

بیمتسک

ماستایستیم،
دست را به روی زمین بگذار
بین چرت قلب اگر کز قبری آرامی آرد
بدری که تو در باغی خانانست می گاری
فردا، در حیاط خانه همسایه نیز می خوابد
نیم بهاری
عطرش را می پراکند در ستار سحر زمین
ریشهایش
از قلب خاک خواهد گذشت
دلقب خواهد زد
هزاران زخمت آنسوز
ده صخره های عجیبی که
به ششهایی که کرده می مانند
فردا با تو
میله زنها داغ لغت خورده،
آذر ز ما می بهاری را بخوانند

☆
ماستایستیم
باد سپیده
در شانه های بید کنار پنجره
غوغای کنی

باد
دستی که از سر زمینهای دور میگذرد
گلهای سرخ قیام را می چسبند
تا دستی به خانه ما سر کشد
دانش را بشاید بگوید:
نمان میسکرید
خزنی از فریاد آورده ام
شما
تنباهایتید
م. ر. ر. ر.

امپریالیسم هرگز از توطئه بر علیه خلقهای انقلابی، دست نمی کشد. ۰۰۰ یکی از بزرگترین توطئه های امپریالیسم و متاسفانه توطئه موفقی او، جنگ ایران و عراق است که حاصل آن جز مرگ و ستم و خرابی برای هردولت و تقویت مواضع امپریالیسم و ارتجاع داخلی نبود. ۰۰۰ مردم پاکستان، ارتجاع ایران را که برادرمه جنگ، پافشاری می نماید، محکوم می کنند. کارگران پاکستان عمیقانگران پیامدهای تحولات پس از بهمن ۶۱، هستند که در آن دستگیریهایی وسیعی از میان انقلابیون تودهای و فدایی صورت گرفت. ۰ انقلابیونی که در زمره درهیم کوبندگان ستونهای حکومتی بودند که با سرنگونی آن، حکام کنونی به قدرت رسیدند. ۰ مردم پاکستان این تحولات را به عنوان تجلی فساد یک عمل ننگین و خیانت آشکاره انقلاب و پانام انقلاب، می بینند.

۰۰۰ ما کارگران پاکستان خواهان آنیم که اجازه دهند ارگانهای بین المللی از زندانیان انقلابی دیدار به عمل آورند. ما خواستار آزادی همه انقلابیون و نیروهای دموکرات و پایان بخشیدن به جریان کثیف محاکمه انقلابیون که همان محاکمه انقلاب است، هستیم. ما مردم پاکستان، از همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ملی ایرانی درخواست داریم به اختلافات میان خود، پایان دهند و برای رساندن مبارزه به سرانجامی پیروز منتهی، متحد شوند.

"کار" و "نامه مردم"

در جشن

حزب کمونیست فرانسه

جشن حزب کمونیست فرانسه (فدراسیون مونیبولیه) امسال با شکوه تمام در پایاد "برگزار شد. در این جشن، عرقهای نیز به حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) اختصاص داشت. این غرفه که با آرمهای "کار" و "نامه مردم" و شعارهایی علیه رژیم اختناق و سرکوب برای آزادی زندانیان سیاسی ایران و قطع جنگ خانمان سوز ایران و عراق تزئین شده بود، مورد بازدید افراد شرکت کننده در این جشن قرار گرفت. بازدید کنندگان از غرفه ایران، تعداد کثیری کارت اعتراضی علیه اختناق، سرکوب و دمه نشانه حاکمان تاریک اندیش، ۱۰ امضا کردند و همبستگی خود با مردم زخمکش میهنمان و نیروهای انقلابی و قادر به آماجهای انقلاب را ابراز کردند.

سیاهکاریهای حاکمیت جمهوری اسلامی، نفرت و انزجار عمیقی را در میان همه نیروهای انقلابی و مترقی جهان، برانگیخته است. در این میان بویژه حمایت و پشتیبانی احزاب، اتحادیهها و سندیکاهای کارگری در چهار گوشه جهان از نیروهای انقلابی و مترقی ایران، بسیار ضرور آفرین بوده است. اخیراً از سوی دبیر "فدراسیون کارگران پاکستان" و نیز دبیر تشکلاتی آن، بیانیه هایی در این رابطه صادر شده است که بخشهایی از آنها را در زیر درج می کنیم:

★ رفیق عزیز نظیر در بیانیه مطبوعاتی ای که در مورد تحولات اخیر در ایران انتشار یافته است ضمن اشاره به لگد کوب ساختن دستاوردهای انقلاب بهمن از سوی حاکمیت خیانت به آماجهای انقلاب را، یکی از پیامدهای "بهره جستن رژیم از شیوههایی کثیف برای دورنگ داشتن مردم از یک فرایند دموکراتیک"، دانسته است. به گفته رفیق نظیر "میهن پرستانی که در زیر پرچم حزب شونده ایران و فدائیان خلق ایران (اکثريت) بیشترین فداکاریها را در طی انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی به انجام رساندند، و دارای ریشه های عمیقی در میان طبقه کارگر و توده های مردم ایران هستند"، به دنبال غلبه ارتجاع "به منظور حفظ منافع امپریالیسم و سرمایه داری، مورد شکنجه قرار گرفته و بسه زندان افکنده می شوند".

بخشهایی از این بیانیه به جنگ و تاکید حاکمیت ایران در تداوم آن اختصاص دارد. در این رابطه گفته می شود: "تداوم جنگ زمینه لازم را برای عناصر مرتجع هیات حاکمه فراهم می آورد تا هرچه بیشتر به استقلال و عدالت اجتماعی، پشت کنند".

در پایان بیانیه آمده است: "ما پشتیبان، کامل خود را از طبقه کارگرایان، اعلام داشته و خواستاریم که این جنگ کثیف فوراً خاتمه یابد، همه زندانیان سیاسی آزاد گردند، روند دموکراتیک و واقعی کشور، دوباره از سر گرفته شود و نمایندگان سازمانهای بین المللی، اجازه یابند و وضعیت زندانها را بررسی کنند." ★ از طرف دبیر تشکلاتی فدراسیون کارگران پاکستان نیز بیانیه ای صادر شده که بخشهایی از آن بدین قرار است:

"کارگران و زحمتکشان پاکستان از طریق سازمانهای گوناگون خود، انقلاب ایران را در سپیده دم پیروزی، خوشامد گفتند. ۰۰۰ ما زمانی از انقلاب استقبال کردیم که آنان که امروز در کشور ما سرگرم نشان دادن "اخوت اسلامی" خود هستند، این انقلاب را "توفان سرخ" خواندند و در جهت وارونه جلوه دادن آن، کوشیدند. ۰۰۰"



رویدادهای جهان

طرح جدید اتحاد شوروی برای خاور نزدیک

دولت اتحاد شوروی در روز یکشنبه ۲۹ ژوئیه پیشنهاد های جدیدی برای بستن راه حل همه جانبه در خاور نزدیک ارائه نمود. طبق این پیشنهاد، در صورت موافقت سازمان آزاد بیخشن فلسطین، طبق طرح کنفرانس سیران کشورهای عربی در فاس، اسرائیل می بایستی طی مدت زمان کوتاهی - حداکثر چند ماه منطقه کرانه غربی رود اردن و نوار غزه را تحت کنترل سازمان ملل متحد قرار دهد.

برای تحقق این راه حل، بایست تضمین های لازم بین المللی تعیین گردیده و مورد قبول واقع شوند. اتحاد شوروی پیشنهاد نموده است که وظیفه تضمین اجرایی این طرح را اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد ویا کل این شورا، به عهده بگیرند. اتحاد شوروی به سهم خود، برای این امر اعلام آمادگی می نماید. در طرح اتحاد شوروی، تشکیل کنفرانس بین المللی در باره -اور نزدیک بمنظور دستیابی به یک راه حل اساسی پیش بینی شده است. در این کنفرانس، که تحت نظارت سازمان ملل متحد برگزار می گردد، بایست علاوه بر اسرائیل و کشورهای عربی هم مرزبنا آن - سوریه، اردن، مصر و لبنان سازمان آزاد بیخشن فلسطین نیز شرکت داشته باشد.

سلاح شیمیایی "سیا"

برای "حزب اسلامی افغانستان"

روزنامه افغانی "هیواد" اخیراً ارکی را منتشر ساخت که حاکی از تحویل سلاح های شیمیایی از سوی سرویس جاسوسی آمریکا، "سیا" به ضد انقلابیون افغانی است. یکی از این مدارک، دستورالعمل سیا خطاب به "حزب اسلامی افغانستان" است که در آن، از جمله آمده است: "بماطلاع شما می رسانیم که بزودی محموله بزرگی از سلاح های مختلف، از قبیل تنگ های بدون لگد، مسلسل های خود کار فوق سنگین، موشک، مین و نارنجک های شیمیایی به شما تحویل داده خواهد شد. برای کاربرد صحیح سلاح های شیمیایی، فرمانده هر گروه بایست راهنمایی های لازم را از متخصصین آمریکایی و چینی بگیرد."

نیکاراگوئه در تدارک انتخابات

تدارک انتخابات قریب الوقوع در نیکاراگوئه علیرغم کارشکنی های ضد انقلابیون و بسوزروزی لیبرال، ادامه دارد. دانیل اورنگا، هماهنگ کننده شورای

دولتی نیکاراگوئه اعلام کرد گروه مخالف راستگرایی "اتحاد دمکراتیک" بدین علت از شرکت در انتخابات چشم پوشی نموده که از شکست انتخاباتی هراس دارد. اورنگا افزود "آرتورو کروز"، کاندیدای این گروه، بنا به دستور کاخ سفید وارد نیکاراگوئه شده تا در انتخابات کارشکنی کند، و گواهی بر این مدعا نیست خود داری وی از محکوم کردن تجاوزات دولت آمریکا به نیکاراگوئه است.

رهبر نیکاراگوئه بار دیگر هرگونه مذکره یا باند های ضد انقلابی متشکل از اعضای سابق گارد ملی سوموزا را رد کرد. مردم نیکاراگوئه وسیعاً در مراکز انتخاباتی ثبت نام می کنند. تا روز انتخابات که چهارم نوامبر خواهد بود، انتظار می رود اکثریت قریب به اتفاق ۱/۲ میلیون نفر دارای حق رای در این کشور، نام خود را وارد فهرست انتخاب کنندگان نمایند.

رهبر حزب کمونیست شیلی: تضعیف دیکتاتوری پینوشه بازگشت ناپذیر است

رفیق لویس کوروالان دبیر کل حزب کمونیست شیلی، طی مصاحبه ای با روزنامه "نویس" و "ویچلاند" ارگان حزب سوسیالیست متحد آلمان، مطالبی درباره کنفرانس کشوری اخیر حزب کمونیست شیلی که اخیراً تحت شرایط بیگرد شدیدی پلیسی در داخل کشور برگزار شد، عنوان نمود. رفیق کوروالان گفت تضعیف دیکتاتوری پینوشه و به تبع آن، گسترش امکانات برای سرنگونی آن، امری بازگشت ناپذیر است. وی تاکید کرد کنفرانس اخیر حزب، نخستین گردهمایی از این نوع تحت شرایط سلطه فاشیسم بود. در این کنفرانس، حدود صد نفر شرکت کردند. گروهی از این رفقا، از فعالین داخل کشور و برخی، نماینده سازمان های حزبی خارج از کشور بودند. رهبر حزب کمونیست شیلی افزود: "این واقعه هم در تاریخ حزب ما و هم در تاریخ مبارزات مردم شیلی علیه دیکتاتور، فاشیستی ثبت خواهد شد." رفیق کوروالان "سیاست فضای باز" را که رژیم پینوشه تحت فشار و یا به توصیه محافظان آمریکایی در پیش گرفته، یک قریب خواند. طبق این طرح، قانون اساسی فاشیستی بقوت خود باقی مانده، و احزاب بورژوازی به شرط بسته رسمیت شناختن آن، اجازه فعالیت و سپس شرکت در انتخابات بمنظور تشکیل یک مجلس نمایشی خواهند یافت. دبیر کل حزب کمونیست شیلی در این باره می گوید: "می کوشند از طریق بزرگ کردن رژیم و دست و پانمودن پایه های جدید برای آن، راه حلی بیابند." اما طبق گفته کوروالان، اجرای چنین نقشه های وضعیت بحرانی کشور را تغییر نخواهد داد، زیرا "هیچگونه عمل جراحی پلاستیک در مورد رژیم، نمی تواند نارضایتی توده های مردم را از میسان ببرد. روند اوضاع بخود خصلت بازگشت ناپذیری

گرفته است."

رهبر حزب کمونیست شیلی اظهار داشت تلاش پینوشه برای انزوای حزب کمونیست شیلی محکوم به شکست است، چرا که این حزب، جزئی از واقعیات زندگی در شیلی است و "میلیونها تن از هموطنان ما، با زندگی و پیکار همسازان کمونیست بخوشی آشنا هستند، و نیک می دانند که ما کیستیم، از کجا می آئیم و به کجا می رویم."

فرازی دیگر از سیر تعالی زنان در سوسیالیسم

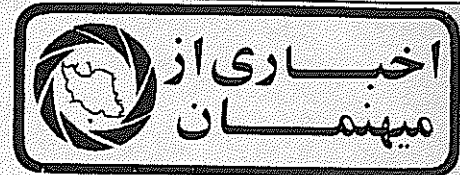
یک زن فضا نورد برای اولین بار در جهان، یاد رضای لایتناهی گذاشت. وی کسسه سو و تلو ناسا و یجسکا یا نام دارد بعد از این که ایستگاه اصلی سالوت ۷ شوروی را ترک کرد، به مدت ۳ ساعت و ۳۵ دقیقه به همراه و لاد یعیمر جانتیکف آزمایشهای تکنولوژیکی منحصربه فردی را انجام داد. هدف از این آزمایشها، پی ریزی تکنولوژی آینده برای ساختن سیستم های بزرگ در مدارهای نزدیک به کره زمین است. نام سو و تلو ناسا و یجسکا یا اکنون در کتاب نام و المینتا تر شکو و اقرار گرفته است که با اقامت ۳ روزه خود در فضا در سال ۱۹۹۳ جلوی دیگری از این حقیقت را در معرض دید همه جهانیان قرار داد. که در پرتو سوسیالیسم، زنان به عالی ترین مدار رشد و تعالی می رسند و هیچ مانعی برای فعالیت های اجتماعی و علمی آنها وجود ندارد.



فعالیت شرکت روز افزون زنان در همه شئون اجتماعی اولین کشور سوسیالیستی جهان، به حدی چشمگیر است، که در بسیاری از موارد عنوان "نخستین" را به خود اختصاص

داده اند. آنها فعالانه در ساختن سوسیالیسم شرکت می جویند، در همه عرصه های سیاسی و اجتماعی قابلیت های خود را بروی دهند و زمینه تحقیقات علمی نیز به مدارج درخشانی دست می یابند. و البته ترشکو و نخستین زن فضا نورد جهان، که در آغاز یک کارگر ساجی بود، اکنون عضو شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و رئیس کمیته زنان شوروی است. او شاخصی زن در سوسیالیسم است.

۶۵ سال پیش لنین رهبر کبیر پروتاریای جهان و بنیانگذار نخستین کشور سوسیالیستی برهمنای یک در عمیق تاریخی با قطعیت گفت "قدرت شوراها را تجایی ده قدرت زمینگشان است از همان روزهای نخستین حیات خود، روش قاطعی در باره قوانین مربوط به زنان در پیش گرفته است. در جمهوری شوراها از قوانینی که زنان را به بردگی محکوم می کنند، کمترین نشانی نخواهد ماند." عنایت زنده این حکم تاریخی میلیونها زن آزاد است که در پرتو سوسیالیسم تر و شکو و اهسا و سوسیالیسم باها، شاخص آنانند.



حاکم شرع و جشن اول ماه مه

حکومت ضد کارگری و ارتجاعی جمهوری اسلامی که ارتجاعی مستقل جشن اول ماه مه توسط کارگران جلوگیری کرد، در برخی واحدها انجمن‌های اسلامی را واداشت تا برای خالی نبودن عرصه، مراسمی برپا کنند. اما کارگران در همه واحدها حاضر به شرکت در این جشن تشریفاتی نشدند.

در کارخانه زاماد، اعضا انجمن اسلامی که با متاع کارگران روبرو شده بودند، در کارخانه به دوره افتاد و شیرینی‌های یاد کرده این مراسم را به کارگران می‌دادند. اما کارگزاران حتی از گرفتن و خوردن شیرینی انجمن نیز خودداری نمودند. اعضا خشمگین انجمن اسلامی و مسئولین کارخانه، ماوقع را به حاکم شرع کرج گزارش می‌کنند تا کارگران را با خطراتی تهدید و مجازات کند. حاکم شرع به کارخانه آمده و به تهدید و ارباب کارگران می‌پردازد. او می‌گفت، "سفا" چینی "هستید و احسراج خواهید شد. کارگران باید در جشن انجمن حاضر شوند. اخذ لگزان روانه زندان می‌شوند."

جمهوری اسلامی،

آوارگان جنگی را آواره تر می‌کند

ساکنین مناطق جنگی که از همسان آغاز جنگ از خانه و کاشانه خود درانده شده بودند، در گوشه و کنار کشور در زیر چادرها و یادها مانکن خالی اسکان داده شده بودند. در تهران عده‌ای از آنان را در هتلها و مجتمع‌های مسکونی مصادره شده از ضد انقلابیون و سرمایه داران فراری، جای دادند. اما پیرا اینکه زمامداران حکومت دریافتند که مالکیت ضد انقلابیون بر اموال دزدی از شیر مادر هم حلال‌تر است، به آوارگان اخبار داده شد تا ساکن خود را تخلیه نمایند. زیرا عدالت حاکمیت اقتصاد می‌کند که ضد انقلابیون و سرمایه داران متواری سرکار اموال خود دینار گردند و در عوض آوارگان آواره تر شوند. تصمیم گرفته‌اند در بیابانهای فردیس کرب، جنگ زدگان را در زیر چادرها جای دهند.

پاسخ حکومت: یک تکه سرب!

سیاستهای ضد مردمی مرتجعین حاکم، میهن ما را ویرانه می‌کند. بویژه دهقانان کشور ما از سیاستهای خانمان برانداز حکومت عذاب می‌بینند. زمین بی برمی ماند و روستاها خالی می‌شوند. روستائیان در شهرها به انبوه بیکاران می‌پیوندند. این بیکاران بسیاری

تأمین معاش بهر دری می‌زنند. برخی از آنان در کنار خیابان اجناس کم بهایی را در معرض فروش می‌گذارند تا ممری برای معاش بیابند. اسلادر اینجا نیز از آزارها موران رنگارنگ رژیم در اسکان نیستند. هربار با غله مامورین، سرمایه ناچیزشان به یغما می‌رود. خیابانهای تهران هر روزه صحنه هجوم آبادی رژیم و مقابل و مقام فرستندگای دوره گرد است. در موارد بسیاری مردم به حمایت از فرستندگان برمی‌خیزند که نمونه‌هایی از آن از افسریه، میدان انقلاب و ... گزارش شده است. غالباً عده‌ای از فرستندگان دستگیر و زندانی می‌شوند.

چندی قبل عده‌ای از این دستگیرشدگان که در محل دادگاه ویژه زندانی بودند، در اعتراض به بازداشت شیشه‌های دادستانی را خرد کرده‌اند. دادستان (بنام زندی) ضمن هتاکسی، فرستندگان را تهدید کرده که از این پس باشما بایک تکه سرب حرف نخواهیم زد.

جنگ مساله اصلی است!

به دنبال تشدید جنگ در خلیج فارس و اختلال در این آبراه بین‌المللی، صادرات نفت ایران از خارک به میزان زیادی کاهش یافت. با ایجاد اختلال در کارد ویران تمام منابع تأمین انرژی و دولت برای پرداخت بدهی واردات در تنگنا قرار گرفت. آنها که باقی مانده در آموصله و ذخایر را صرف تهیه اسلحه و خاصه خرجهای خود می‌کنند، بولی در چخته ندارند تا برای گرداندن پرچ صنایع وابسته از خارک مواد اولیه و قطعات یدکی وارد کنند. در حالیکه بخاطر تأمین نیازهای جنگی، در بودجه مصوبه برای سال جاری، ارز در نظر گرفته شده به‌سزای صنایع، متحد و قابل توجهی کاهش یافته. اینک با وضعیت جدید تأمین همین مقدار نا کافی نیز ناممکن شده است. از این رو دستور داده شد تا اطلاع ثانوی از واردات بخش مهمی از واردات مورد نیاز کارخانجات و صنایع خودداری شود. گزارشات متعددی نشان می‌دهد که برخی از کارخانه‌های دارویی و تهیه شیشه‌های کودگان در شرف تعطیل و توقیف تولید قرار گرفته‌اند. کارگران را خطرات خارج و بیگاری تهدید می‌کند. اما حکومت را باکی نیست. جنگ مساله اصلی است.

گور شهیدان نیز خاطر جلا دان را

آشفته می‌کند

زدالت پیشگان اوین، پس از اعدام زندانیان سیاسی، آنها را بی نام و نشان و بی تشریفات در بهشت زهرا خاک می‌کنند. آنها مانع حضور مادران و اقوام شهیدان در گورستان می‌شوند. در بهشت زهرا گروههای صرهای ارا و باش سازمان داده شده است تا با ضرب و شتم مادران را از سرگور فرزندانشان برانند.

نیروهای کمیته و سپاه دایماد راین محل گشت می‌زنند. آنها اخیراً نیروی ارتش را هم به کمک گرفته‌اند. تاد رگورستان حتی صدای ناله‌ای هم شنیده نشود. شهیدان گلگون کفن، در گورهای خود نیز خاطر جلا دان را آشفته می‌کنند. جلا دان با همه تمهیداتی که بکار گرفته‌اند همچنان نگران و مضطربند. به خانواده‌های شهیدان اخطار می‌کنند که مبادا بر سر قبر مراسم عزاداری کنند. به کرات خیابانهای تهران (و دیگر شهرها) صحنه کشاکش مامورین با مردم می‌شود که سرخاک شهیدان می‌روند. آخرین گزارش حاکی است که این بار در خیابان آذربایجان پاسداران با هشت ماشین پژو راه را بر اتوبوس حامل اقوام یک شهید می‌بندند. آنها را پیاده کرده و به جرم تخطی از تذکرات بازداشت می‌کنند.

بازو بفروشها

مردم در تهران اجازه و امکان ساختن یک آلونک را برای سرینساز ندارند. کاشکان مناطق نوری و زیر کشور نه فقط برای سابق بلکه با استفاده از فتاوی‌دید، آلونکهایی را که مردم در عا شیه شهر تهران می‌سازند، ویران می‌کنند. اما حاج آقا‌های بازار بفروش، با استفاده از اعتبارات دولتی با گرفتن مصالح ساختمانی که در بازار یافت نمی‌شود به نرخ دولتی، ساختمان سازی می‌کنند. آنها این خانه‌ها را به نرخ آزاد به فروشنده می‌رسانند. سود حاصله سرسام آور است. یکی از آنها حاج آقا انصاری است که بازو بند با مقامات، نه فقط همه مواضع حقوقی به سرعت از پیش پایش برداشته می‌شود، بلکه همه نوع تسهیلات و اعتبارات نیز برایش فراهم می‌شود. این حاج آقا در زمین حال صاحب شرکت ایران دارو نیز می‌باشد.

AKSARIYAT
NO. 18
FRIDAY, 3 AUGUST 84

Address آدرس
 POSTFACH 23007
 6500 MAINZ 23
 W.-GERMANY
آلمان فدرال

P.O. BOX 101 انگلستان
 LONDON N17 6YU
 ENGLAND

P.O. BOX 68156 ایالات متحده
 LOS ANGELES, CA 90068
 USA

C.P. 3125 ایتالیا
 00122 OSTIA LIDO (ROMA)
 ITALY

P.O. BOX NO 3018 هندوستان
 NEW DELHI - 110003
 INDIA